



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در بحث کفارات روزه رسیدیم به مسئله نهم، صاحب عروه در این مسئله می فرماید؛ (مسئله ۹) : **إذا أفطر بغير الجماع ثم جامع بعد ذلك يكتفيه التكفير مرة وكذا إذا أفطر أولاً بالحلال ثم أفطر بالحرام تكفيه كفارة الجمع .**

اگر کسی به غیر جماع افطار کند و بعد مجامعت کند یک بار کفاره بدهد کافی است، البته این فتوا با مبنای ایشان جور در نمی آید زیرا ایشان قائل بود که برای جماع کفاره مستقلاً لازم است بنابراین طبق مبنای صاحب عروه بار اول که روزه را با غیر جماع شکست باید یک کفاره بدهد و بعد که جماع کرد باید یک کفاره دیگری به دوش او بیاید، اینجا تعدادی از فقهای ما در حاشیه عروه بر کلام صاحب عروه اشکال کرده اند من جمله آیه الله خوئی که فرموده است: « **الظاهر لا يكفي** » .

فرع دوم در این مسئله این است که اگر کسی یک بار با حلال افطار کند و سپس با حرام افطار کند یک کفاره جمع بدهد کافی است (طبق مبنای صاحب عروه)، البته طبق مبنای ما همان بار اول که روزه را شکست دیگر روزه اش باطل شده است فلذا اگر بار دیگر چیزی بخورد یا یکی از مفطرات را مرتکب شود دیگر کفاره ای به دوشش نمی افتد، در اینجا هم به صاحب عروه اشکال شده است به این بیان که در بار دوم که با چیز حرامی افطار کرده است چونکه روزه اش قبلاً باطل شده لذا چیزی به گردش نیست .

(مسئله ۱۰) : **لو علم أنه أتى بما يوجب فساد الصوم و تردد بين ما يوجب القضاء فقط أو يوجب الكفارة أيضا لم تجب عليه و إذا علم أنه أفطر أياما و لم يدر عددها يجوز له الاقتصار على القدر المعلوم و إذا شك في أنه أفطر بالمحلل أو المحرم كفاه إحدى الخصال و إذا شك في أن اليوم الذي أفطره كان من شهر رمضان أو كان من قضاؤه و قد أفطر قبل الزوال لم تجب عليه الكفارة و إن كان قد أفطر بعد الزوال كفاه إتمام ستين مسكينا بل له الاكتفاء بعشرة مساكين .**

در این مسئله چند فرع مطرح شده است؛ اول اینکه؛ **لو علم أنه أتى بما يوجب فساد الصوم و تردد بين ما يوجب القضاء فقط أو يوجب الكفارة أيضا لم تجب عليه .** اگر صائم یکی از مفطرات را مرتکب شد و روزه اش را باطل کرد ولی نمی داند که آیا روزه ای که باطل شد از آن روزه

هایی بوده که فقط قضا دارد و یا روزه ای بوده که با افطار آن کفاره هم بر گردن فرد واجب می شده؟ در این صورت لازم نیست که کفاره بدهد . توضیح ذلك: ما قبلا عرض کردیم که فقط در چهار روزه اگر کسی عمدا آنها را بشکند کفاره دارد که عبارتند از؛ روزه ماه رمضان، روزه نذر معین، روزه قضای ماه رمضان بعد از زوال و صوم اعتکاف و در غیر این موارد فقط قضا دارد مثلا اگر کسی نذر کرده است که یک روز روزه بگیرد و بعد یک روز را انتخاب کرد و آن را شکست او فقط باید یک روز را قضااً روزه بگیرد و یا مثلا اگر کسی روزه کفاره ماه رمضان را بشکند باید بعداً فقط آن را قضاء کند . خوب حالا اگر کسی شک کند روزه ای را که شکسته است از کدام قسم است (شبهه ی موضوعیه) در این صورت کفاره ای بر گردن او واجب نمی باشد زیرا او در این حالت یقین دارد که قضای یک روز روزه به گردن اوست ولی نمی داند که مازاد بر آن کفاره ای هم به گردن او می باشد یا نه؟ از این رو چون این مسئله از باب شک در تکلیف است در آن برائت جاری می شود . آیه الله خوانساری در حکم به عدم کفاره تأمل دارند و می گویند این فرد در این فرض معصیتی را مرتکب شده است و لازم است که عقلا کاری کند که یقین کند عقاب نمی شود و به صرف قضا کردن همان روز یقین نمی کند که عقاب نمی شود، ایشان در اینجا یک بحث اصولی مطرح کرده اند و بحث را روی ثبوت و سقوط برده اند و فرموده اند؛ هر جا که شک در اصل ثبوت تکلیف باشد جای اصل برائت است ولی اگر شک در سقوط تکلیف باشد جای اصل اشتغال است یعنی می دانیم که ذمه ما مشغول شده است و شک داریم که آیا ذمه ما فارغ شده است یا نه؟ که جای اصل اشتغال است و ظاهراً صاحب عروه قائل است که بحث در اصل ثبوت است لذا اصل برائت جاری می شود ولی آقای خوانساری قائلند که بحث در سقوط است یعنی ایشان می فرمایند چونکه ذمه ما مشغول شده لذا نیاز به مؤمن داریم و شک هم داریم که آیا ذمه ما فارغ شده است یا نه؟ که در این صورت باید اصل اشتغال جاری کنیم . صاحب عروه سعی دارد که علم اجمالی را منحل کند از این رو می گوید که فرد علم اجمالی دارد که چیزی به گردش می باشد ولی نمی داند آیا فقط قضا است و یا علاوه بر آن کفاره هم است؟ در اینجا صاحب عروه می گوید که این علم اجمالی منحل می شود به شک بدوی و علم تفصیلی (یعنی اینکه یقین دارد که قضا به گردن اوست ولی شک دارد که کفاره هم هست یا نه؟ که این شک بدوی می باشد) تبدیل می شود لذا فقط انجام قضا کافی است و اگر شک کنیم که آیا

رمضان بوده یا از قضای آن و می داند که در هر دو صورت قبل از ظهر روزه را شکسته است ، در اینجا اگر ماه رمضان باشد کفاره دارد ولی اگر روزه او قضای ماه رمضان باشد اصلاً کفاره ندارد در این فرض هم شک در اصل وجوب کفاره دارد که برائت جاری می شود ، خوب حالا اگر مطمئن است که در هر حال بعد از زوال روزه اش را افطار کرده است ولی نمی داند که در ماه رمضان بوده که کفاره رمضان باشد و یا در قضای آن بوده که کفاره آن اطعام ده مسکین است ؟ در این فرع اگر شصت مسکین را طعام دهد کافی است زیرا اگر ماه رمضان باشد فیها المراد و اگر قضای رمضان بوده از باب چون که صد آید نود هم نزد ماست کفاره قضا را هم داده است ، بعد صاحب عروة اضافه می کند که حتی اطعام ده مسکین هم کافی است زیرا این هم از باب شک در تکلیف است چونکه او بین ده و شصت مردد است و در هر حال ده تا یقینی است از این رو علم اجمالی منحل می شود و شک در پنجاه تای دیگر از باب شک در تکلیف است . آیه الله خوئی در مستند کلامی دارد که ان شاء الله فردا مطرح می کنیم ...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله

علی محمد و آله الطاهرین

اصلاً کفاره ای هم بر گردن او واجب است یا نه ؟ این از باب شک در ثبوت است و برائت عقلی و نقلی در آن جاری است .

فرع دوم از مسئله ۱۰: « و إذا علم أنه أفطر أياماً و لم یدر عددها یجوز له الاقتصار علی القدر المعلوم » . شخص صائم فی الجملة می داند که چند روز از روزه های واجب را افطار کرده است ولی نمی داند چند روز بوده است ؟ در این صورت می تواند مقدار کمتر را انجام دهد زیرا این از باب اقل و اکثر استقلالی است که مسلماً اگر کمتر را انجام دهد کافی است ، به عبارت دیگر علم اجمالی در اقل و اکثر استقلالی یقیناً منحل می شود به شک بدوی و علم تفصیلی ، به این معنا که اقل یقینی است و با علم تفصیلی واجب است ولی ما زاد بر آن مشکوک است و در آن برائت جاری می شود .

بعضی از محشین عروة در این جا این بحث را مطرح کرده اند که آیا این فرد که الان نمی داند چند روز را افطار کرده است آیا قبلاً می دانسته چند روز بوده و الان فراموش کرده یا اینکه از همان اول نمی دانسته چند روز به گردش است ؟ بعضی همامند آیه الله خوئی گفته اند که فرقی بین این دو قسم نیست زیرا حالت فعلی میزان است و فعلاً علم اجمالی او منحل می شود و حالت قبلی میزان نیست ولی بعضی گفته اند که اگر قبلاً می دانسته باید احتیاط کند و اکثر را به جا آورد که به نظر ما حق با آیه الله خوئی است .

فرع سوم از مسئله ی ۱۰: « و إذا شک فی أنه أفطر بالمحلل أو المحرم کفاه إحدى الخصال » . در این فرع هم فرد یقین دارد که یکی از خصال کفاره به گردش آمده است و در مازاد شک دارد که در ایجا هم باز علم اجمالی منحل می شود به شک بدوی در ما زاد بر یک خصال و علم تفصیلی به اینکه یقیناً یکی از آن خصال بر گردن او واجب است ، که در این صورت هم بعد از انحلال علم اجمالی در ما زاد بر یک خصال برائت جاری می شود ، به عبارت دیگر امر دائر است بین تخییر و تعیین یعنی نمی داند آیا همه خصال معیناً بر او واجب است (اگر به حرام افطار کرده باشد) و یا اینکه بین یکی از آن خصال مخیر است ؟ که در اصول گفتیم ؛ إذا دار الامر بین التخییر و التعیین برائت جاری می شود .

فرع چهارم از مسئله ی ۱۰: « و إذا شک فی أن الیوم الذی أفطره کان من شهر رمضان أو کان من قضاائه و قد أفطر قبل الزوال لم تجب علیه الکفارة و إن کان قد أفطر بعد الزوال کفاه إطعام ستین مسکیناً بل له الاکتفاء بعشرة مسکین » . قبلاً گفتیم که در قضای ماه رمضان اگر قبل از زوال افطار کند کفاره ندارد ولی اگر بعد از زوال باشد کفاره دارد ، حال اگر کسی شک کند که آن روزی که روزه اش را شکسته بود از ماه